



عبدی پور در گفت وگو با «فرهیختگان»:

زمان حضور قدرتمند خرده‌فرهنگ‌هاست



❧ برخی معتقدند شرایط زیستی دوره ما به گونه‌ای است که روابط اجتماعی خرده‌فرهنگ‌ها در هم تنیده شده و نمی‌توان قصه‌هایی از دل فرهنگ‌های کوچک روایت کرد که برای مخاطب وسیع جذابیت داشته باشد. چقدر با این نظر موافقتی؟

❧ چطور می‌شود فیلمی ساخت که بدنه اصلی آن روایتی از زندگی یک شهرستانی باشد و در اکران موفق باشد؟

نظر من برعکس این مساله است. فرهنگ‌های کلان دیگر حساسیت آدم‌ها را برنمی‌انگیزند چون خیلی دستمالی شده با روایت‌های کلی هستند.

گفت وگو

اصغر یوسفی نژاد، کارگردان فیلم «اٲو»:

ترجیح می‌دهم به سینماهای تهران بروم

«اٲو/خانه» به کارگردانی اصغر یوسفی نژاد که به عقیده بسیاری از منتقدان پدیده جشنواره سی‌وینچم فیلم فجر بود، از ۲۳ مهر اکران خود را در سینماهای گروه هنرو تجربه شروع کرده است. یوسفی نژاد که در کارنامه فیلمسازی‌اش ساخت چند تله‌فیلم و سریال برای صدا و سیما مرکز تبریز دیده می‌شود، اولین فیلم بلند داستانی خود را در شهر زادگاهش تبریز و با همراهی عواملی از همین شهر و به زبان آذری ساخته است. جالب اینکه همین فیلمی که به زبان آذری ساخته شده است فرصت اکران در شهرهای مثل تبریز و شهرهای آذری‌زبان را ندارد. منتقدان و اهالی رسانه در مورد محتوا و شیوه ساخت فیلم «اٲو/خانه» هم در ایام جشنواره و هم در این روزها که فرصت اکران محدود را پیدا کرده، به تفصیل نوشته‌اند. برای همین این‌بار در «فرهیختگان» با یوسفی نژاد، درباره اکران فیلم‌های شهرستانی و تأثیر اکران بر شرایط تولید چنین آثاری صحبت کرده‌ایم.

❧ برخی معتقدند به دلیل اینکه اکثر

سالن‌های سینمایی و بخش مهمی از مخاطبان آثار سینمای ایران در شهرهای بزرگی مثل تهران حضور دارند؛ فیلمسازان و تهیه‌کنندگان هم ترجیح می‌دهند سراغ تولید آثاری بروند که نزدیک به فضای زندگی و خواست‌های تصویری این مخاطبان است. نتیجه این گزاره هم این شده است که شرایط توزیع بر تولید اثر بگذارد و به همین دلیل ما شاهد آثاری نیستیم که در فضایی غیر از تهران روایت می‌شوند. چقدر با این نظر موافقتی؟

بحث مخاطب و اکران در همه جای دنیا، مخصوصا در کشور ما، سخت‌ترین بخش داستان فیلمسازی است. در مورد ساخت آثار سینمایی که در فضای شهرستان روایت می‌شوند، به‌شخصه ترجیح می‌دهم در فضایی که در آن زیست می‌کنم، فیلم بسازم و از آن دور نشوم. ایده‌آل هم این است که فیلمسازان در همان فضای زیستی خودشان، فیلم بسازند. مثلا فیلمسازی که در مرکز کار می‌کند بهتر است به شهرستان نرود و فیلمسازی که می‌تواند در شهرستان فیلم بسازد نباید به مرکز برود. اصالت و کیفیت فیلم مرهون شناخت عمیق از انسان‌ها، موضوعات و موقعیت‌ها است. آن کسی که در شهرستان فعالیت و زندگی می‌کند و متعلق به آنجاست به نظر من آن مکان را خوب می‌شناسد و می‌تواند کارهای اصیل و موثری را در آن منطقه بسازد. اما در مورد موضوع شرایط اکران فیلم‌هایی با فضای شهرستانی باید بگویم زبان سینما چیزی نیست که در یک نقطه بتواند ارتباط برقرار کند و در نقطه‌ای دیگر نتواند. اگر فیلمی اصیل باشد در همه جای دنیا، مخاطبش را پیدا می‌کند. فیلمسازی که با مردم شهرستان زندگی می‌کند، آنها را می‌شناسد و در مورد موضوعات و فرهنگ‌شان هم بیشتر می‌داند. ولی اینکه بگویم اگر من در شهرستان فیلم بسازم فقط مخاطبم شهرستانی است، به نظرم درست نیست. قوت و ضعف ارتباط با مخاطب را فیلم تعیین می‌کند، نه اینکه در چه جغرافیایی ساخته شده است. اگر چنین باشد همه باید در کشور



خودم ترجیح می‌دهم، وقتی تهران هستم به سینما بروم. یک بار فیلمم را در تبریز برای همشهری‌های خودم در سالی که نسبتا مناسب بود نمایش دادم ولی غیر از اینکه دوستان لطف داشتند و تحمل کردند برای من جز عرق شرم، به‌خاطر کیفیت بد صدا و تصویر چیزی نداشت

وضعیت‌های کلی و پرداخت به مسائل کلی برای مخاطبان جذابیتی ندارد. فکر می‌کنم مسائل متکثر شده با جزئیات و انسان‌هایی که کمتر دیده شده‌اند به خصوص آنهایی که در فضایی ایزوله‌تر درگیر مسائل اجتماعی هستند، جذابیت بیشتری دارند. به‌شخصه به این مساله علاقه‌مندم و اتفاقا در سینما شیفته «داردن»‌ها هستم. گفته معروفی هم در این مورد هست که در حال حاضر هر محله‌ای داستان‌نویس، موزیسین و فیلمساز خودش را دارد. در این زندگی متکثر، آدم‌ها به روایت‌های خرد و کوچک اقبال بیشتری نشان می‌دهند. الان دوره حضور قدرتمند خرده‌فرهنگ‌هاست و فرهنگ‌های کلان به این دلیل که گستره جمعیتی و جغرافیایی بیشتری را پوشش می‌دهند الزاما در شروع بازی جلو نیستند. آدم‌ها به یک خلوتی در قصه نیاز دارند. این خلوت هم به معنای یک فیلم کم‌حرف، ساکت و کم‌کاراکتر نیست. خلوت به این معنا که به یک مدل روحیه و وجهی از زندگی بپردازد که دستمالی نشده است.



در این زندگی متکثر، آدم‌ها به روایت‌های خرد و کوچک اقبال بیشتری نشان می‌دهند. الان دوره حضور قدرتمند خرده‌فرهنگ‌هاست و فرهنگ‌های کلن به این دلیل که گستره جمعیتی و جغرافیایی بیشتری را پوشش می‌دهند الزاما در شروع بازی جلو نیستند

❧ موانع ساخت یک اثر سینمایی بومی چیست؟ شرایط ضعیف سالن‌های سینمایی و ضعف اکران فیلم در شهرستان‌ها چقدر روی شرایط تولید آثار سینمایی بومی اثرگذار است؟

ساخت یک اثر بومی هیچ مانعی ندارد؛ به شرطی که آن اثر قدرت دراماتیک و جذابیت خاص خودش را داشته باشد و بتواند راه خودش را از ابتدا باز کند و همه موانع را پس بزند. زیاد موافق این نیستم که کمبود سالن‌های سینمایی در شهرستان‌ها، بر فرایند حمایت از تولید آثار بومی اثرگذار است. به هر حال همان سالن سینمایی که «گنج قارون» را نشان می‌دهد، می‌تواند «طبیعت بی‌جان» را هم اکران کند. سالن سینما برای بعد از تولید است و فکر نمی‌کنم بخش توزیع، بر حمایت از تولید یک اثر سینمایی، تأثیر بگذارد.



❧ فیلم بعدی را با چه نگاهی خواهید ساخت؟ آیا همین سبک شیوه تولید یک اثر سینمایی بومی را ادامه می‌دهید؟

برای فیلم بعدی، شیوه تولید تغییر نمی‌کند. شکل تولید و فاکتورهایی که برای ساخت فیلم داشتم جابه‌جا نمی‌شود. با وجود لطفی که تماشاگران، منتقدان و جشنواره‌ها نسبت به فیلم داشتند، فرد عجولی نیستم که بخواهم با یک فیلم، خط‌مشی خودم را عوض کنم. برای من همه چیز بستگی به بازخوردهای فیلم دوم دارد. بازخوردهای مربوط به فیلم بعدی من، وضعیت ادامه فیلمسازیم را مشخص می‌کند. اگر بخواهم وارد بحث تغییرات شوم، مثلا در زبان، استفاده از عوامل با گسترده‌گی فضاهای فیلم، باید مطمئن شوم فیلم بعدی‌ام توانسته خود را عرضه کند و پذیرفته شود یا نه.

❧ برای فیلمنامه جدیدی که در حال نوشتن آن هستید، به اکران گسترده فیلم و فضای وسیع‌تر از گروه هنر و تجربه هم فکر می‌کنید؟

فعلا که روی فیلمنامه کار می‌کنم و ترجیح می‌دهم فقط فیلمنامه‌نویس باشم. یعنی ذهنم را درگیر مسائل کارگردانی نمی‌کنم، چه برسد به شیوه اکران. اینها در زمان خودش فکر شود بهتر است. اگر به چیزی غیر از فیلمنامه فکر کنم، ممکن است به شاکله فیلمنامه لطمه وارد کند؛ همانطور که در مورد فیلم «اٲو» سعی کردم رعایت کنم. بعد که فیلمنامه را تحویل دادم به سمت فاز بعدی می‌روم. خیلی دوست دارم فیلم جدیدم در جشنواره فیلم فجر برود و بازخوردهای آن را، چه مثبت و چه منفی ببینم. به این بازخوردها اعتقاد دارم و جشنواره فیلم فجر برایم جای مهمی است. آنجا خیلی چیزها تعیین می‌شود. فکر می‌کنم سرنوشت ادامه فیلمسازی من در جشنواره فیلم فجر مشخص می‌شود.

❧ وضعیت اکران فیلم «اٲو» در شهر خودتان تبریز چگونه است؟

قرار بود سالن ۲۰۰ نفره خوبی را برای اکران گروه هنر و تجربه در تبریز اختصاص دهند و اتفاقا افتتاح آن با همین فیلم باشد ولی به‌خاطر مسائل فنی به اکران فیلم من نرسید. ضعف در کیفیت اکران و نبود سالن‌های مجهز سینمایی از جمله مسائل مهم فرهنگی در شهرهای مثل تبریز است. دوست داشتم که فیلم «اٲو» برای شهرهای شمال غرب و آذری زبان هم اکران شود ولی هیچ سالن هنر و تجربه‌ای برای این فیلم وجود ندارد.